

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.2.5.4

Stratification Semiotics in An-Nāzi‘āt Sura: A Barthesian Reading

(Received: 2022-11-05 Accepted: 2023-01-09)

Niloufar Zarivand¹, Ali Piranishal², Zohreh Naemi³, Ali Asvadi⁴,
Soodabeh Mozaffari⁵

Abstract

Stratification semiotics delves into the hidden layers of a literary text in terms of analyzing intertextual relationships and syntagmatic relationships between semantic layers and codes. Roland Barthes identifies five main semiotic codes: Hermeneutic, Proairetic, Semantic, Symbolic, and Cultural which provide a comprehensive analysis of a literary text and its meaning. This research, adopting a descriptive-analytical methodology, examines the stratificational semiotics of An-Nāzi‘āt Sura to decode its implicit meanings following the requirements of the 21st-century context (apocalypse) as well as the ever-increasing technological advances. The study finds that the hermeneutic code addresses the meaning of the Sural concerning the Domsday and the resurrection of the dead; the Proairetic code addresses God’s provisions to humankind, the actions of sinners, and the conflict between Moses and Pharaoh; the semantic code addresses technological advances as well as the power of humankind in the apocalypse; the symbolic code addresses a bipolar world; and the cultural code advises humankind to avoid arrogance based on the story of Moses and Pharaoh. Such layers of meaning based on semiotic codes portray a historical era when humankind has achieved such a high level of power and creation that it assumes itself to be Omnipotent. In this context, An-Nāzi‘āt Sura invites mankind to ponder over the essence of its existence and avoid arrogance to appreciate the purpose of creation and avoid an unfortunate destiny.

Keywords: Stratificational semiotics; codes; Roland Barthes; An-Nāzi‘āt Sura

1) Ph.D. student of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Tehran, Iran (The Corresponding Author)Email: Std_Zarivand@khu.ac.ir

2) Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Karaj, Iran Email:pirani@khu.ac.ir

3) Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Karaj. Iran Email:naemi.zohreh@khu.ac.ir

4) Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Karaj. Iran Email: Asvadi@khu.ac.ir

5) Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Karaj. Iran Email:soud42_moz@khu.ac.ir





نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره مبارکه نازعات با تکیه بر نظریه رولان بارت

(تاریخ دریافت: ۱۴-۰۸-۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۹-۱۰-۱۴۰۱)

نیلوفر زریوند^۱، علی پیرانی‌شال^۲، زهره ناعمی^۳، علی اسودی^۴، سودابه مظفری^۵

چکیده

نشانه‌شناسی لایه‌ای در سطح متون گسترده ادبی، با تحلیل روابط بینامتنی و هم‌نشینی میان لایه‌های معنایی برخاسته از رمزگان‌ها، به شکوفاسازی استعداد نهفته متن می‌پردازد تا معانی نهفته آن را آشکار سازد. رمزگان، به گفته رولان بارت، به پنج دسته هرمنوتیکی، کنشی، معنایی، نمادین و فرهنگی تقسیم شده و از ستون‌های اصلی تحلیل متن و شناخت معانی آن به‌شمار می‌رود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره نازعات پرداخته با این هدف که معانی ضمنی آن را متناسب با مقتضیات جامعه امروز، کشف نموده و قابلیت‌های سوره را برای تفسیر بر اساس پیشرفت‌های روز افزون انسان در عرصه تکنولوژی در قرن بیست و یکم و یا دوران آخرالزمان شکوفا سازد. بر این اساس، چنین نتیجه‌گیری شده که رمزگان هرمنوتیکی، معماری سوره را مبنی بر وقوع قیامت و زنده شدن مردگان مطرح می‌کند، رمزگان‌های کنشی موهبت‌های الهی در حق انسان، اعمال گناهکاران و نیز جدال موسی و فرعون را بیان کرده، رمزگان‌های معنایی فناوری‌های پیشرفته و قدرت انسان را در آخرالزمان و رمزگان‌های نمادین دنیای دو قطبی را به تصویر می‌کشد و در نهایت رمزگان‌های فرهنگی بر اساس داستان موسی و فرعون، تشویق به دوری از تکبر در انسان می‌کند. لایه‌های معنایی ایجادشده از این رمزگان‌ها دورانی را به تصویر می‌کشد که انسان به سطح بالایی از قدرت و خلقت دست پیدا کرده تا جایی که خدایی جز خود را قبول ندارد، در چنین حالتی، سوره نازعات دعوت به شناخت رسالت انسان در هستی و دوری از تکبر می‌کند تا هدف از خلقت را درک کرده و دچار عاقبتی نافرجام نگردد.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی لایه‌ای، رمزگان، رولان بارت، سوره نازعات.

۱) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: Std_Zarivand@khu.ac.ir
 ۲) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرج، ایران ایمیل: pirani@khu.ac.ir
 ۳) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرج، ایران ایمیل: naemi.zohreh@khu.ac.ir
 ۴) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرج، ایران ایمیل: Asvadi@khu.ac.ir
 ۵) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرج، ایران ایمیل: soud42_moz@khu.ac.ir



۱. مقدمه

در بررسی آثار ادبی، همواره متونی همچون قرآن هستند که بسیاری از نشانه‌های زبانی آن‌ها دارای لایه‌های متعدد معنایی بوده و بررسی مفاهیم مطرح شده در آن‌ها نیازمند نوعی تحلیل نشانه‌شناسی است که لایه‌های معنایی را با بهره‌مندی از یکسری علوم بینامتنی، کشف روابط هم‌نشینی و یا جانیشینی (زبان استعاری) و نیز تحلیل رمزگان‌های خاص آن مورد بررسی قرار دهد.

رمزگان‌ها که شامل یک نشانه، عبارت و یا گروهی از واژگان می‌شوند، همچون قراردادهای اجتماعی هستند که هر چه فرد به علوم بیشتری احاطه داشته باشد، میزان بیشتری از آن‌ها را در یک متن می‌تواند کشف و تحلیل کند. رمزگان‌ها از دیدگاه رولان بارت (۱۹۱۵-۱۹۸۰) نشانه‌شناس و منتقد ادبی فرانسوی، پنج گونه متفاوت دارند؛ گاه به یک جنبه معمایی در یک متن اشاره دارند، گاه به بیان کنش‌های شخصیت‌ها پرداخته و گاهی نیز از معانی ضمنی، مفاهیم متناقض و یا علمی در خارج از متن همچون ادبیات، سیاست و فرهنگ، اخلاق، پزشکی، علوم طبیعی، تاریخ و ... پرده بر می‌دارند، امری که همگی با تکیه بر یک ایدئولوژی غالبی صورت می‌پذیرد که این رمزگان‌ها را در یک راستا قرار می‌دهد.

در همین راستا، تکیه کردن به روش تحلیل معنای بارت که رمزگان‌ها را بر اساس فرهنگ و مقتضیات جامعه مورد بررسی قرار داده و از انواع علوم در تحلیل رمزگان‌ها بهره می‌برد، در قرآن کریم می‌تواند بسیار راهگشا باشد؛ چراکه قرآن از جمله متونی است که برای کشف و پرده‌برداری از لایه‌های معنایی رمزگان‌هایش، نیاز به بهره‌برداری از علوم مختلفی چون زبان‌شناسی، تاریخ، علوم طبیعی و ... است و چنین تحلیل‌هایی، تعلق مفاهیم و معانی قرآن را به همه اعصار و قرون آشکارتر می‌سازد.

در این مقاله سعی بر آن شده تا به نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره نازعات پرداخته شود؛ با این پیش‌فرض که متن این سوره از پتانسیل بالایی جهت تحلیل انواع رمزگان‌ها برخوردار است. سوره نازعات از جمله سوره‌های قرآن است که وجود دلالت‌های متعدد معنایی آن نادیده انگاشته شده و غالب مفسرین، تنها آن را مربوط به لحظه جدا شدن روح از بدن، وقوع قیامت و یا داستان موسی و فرعون می‌دانند. اما در این مقاله، چنین معانی‌ای تنها به‌عنوان معانی اولیه سوره در نظر گرفته شده و سایر معانی از طریق هم‌نشینی لایه‌های معنایی کنار هم استنباط شده است.

بر این اساس، هدف از چنین تحلیلی اثبات این نکته است که سوره نازعات، قابلیت تحلیل و شناسایی معانی ضمنی متعددی دارد که می‌تواند برای نسل امروز بشر در زندگی روزمره‌شان مفید و کاربردی واقع شود و برای مردم قرن بیست‌ویک پیامی جدید و متناسب با مقتضیات جامعه امروزی داشته باشد. ضمن آن‌که امید می‌رود با معرفی این رویکرد،

دریچه تازه‌ای به روی محققان گشوده شود تا به تحلیل قرآن و نیز متونی که دارای معانی چندبعدی و لایه‌ای متعدد هستند بپردازند. از این رو، پرسش‌های بنیادین این پژوهش چنین خواهد بود:

۱- رمزگان‌های برجسته سوره نازعات بر اساس نظریه رولان بارت، از چه عناصری تشکیل یافته است؟

۲- روابط هم‌نشینی رمزگان‌های سوره نازعات در کنار سایر نشانه‌ها، چه لایه‌های معنایی جدیدی را خلق نموده است؟

با توجه به پرسش‌های مطرح شده، چنین فرض می‌شود که در سوره نازعات، نشانه‌هایی که بر سر آن‌ها در پنج آیه نخست، حرف قسم وارد شده، هم‌زمان به عنوان رمزگان‌های معنایی و معمایی، در جهت بیان معمای سوره مطرح شده باشند؛ چراکه همواره حروف قسم پرده از بیان امری مهم بر می‌دارند. همچنین چنین به نظر می‌رسد که رمزگان‌های کنشی، به بیان اعمال گناهکاران و نیز مواهب الهی پرداخته باشند، رمزگان‌های فرهنگی داستان موسی و فرعون را شرح داده و رمزگان‌های نمادین نیز به ذکر دنیای دو قطبی پرداخته باشند. همچنین چنین فرض می‌شود که در نتیجه هم‌نشینی لایه‌های معنایی حاصل از رمزگان‌های یاد شده، شاهد بیان معانی ضمنی متعددی باشیم که بر اساس پیشرفت‌های مرتبط با قرن بیست و یک، پیام‌های جدیدی را برای مخاطب نسل امروز در جهت ارتقای سطح کیفی زندگی‌اش دربرداشته باشد.

ضرورت انجام چنین پژوهشی نیز از آن‌رو است که چون قرآن کریم مختص یک عصر و یا یک دوران نبوده و متعلق به همه اعصار است، پس دال‌های آن فقط به مدلول‌هایی واحد یا تعدادی مدلول مشخص دلالت نمی‌کند. لذا لازمه اعجاز بودن قرآن این است که برای هر عصری، مدلول‌های متناسب با آن برای دال‌ها وجود داشته باشد. از این رو، چنین پژوهشی باعث کشف لایه‌های معنایی مرتبط با عصر امروز شده و می‌تواند مقدمه‌ای باشد تا سایر معانی ضمنی قرآن نیز با تکیه بر تحلیل رمزگان‌ها کشف شده و نسل امروز و نسل‌های آینده ارتباط مؤثرتری با قرآن برقرار کرده و در جهت بالابردن سطح کیفی زندگی خود از آن بهره‌مند شوند.

۱.۱. پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه این پژوهش باید گفت که بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص سوره نازعات، در باب تحلیل سبک‌شناسی و عناصر بلاغی، بیان، بدیع و استعاره آن است. به عنوان مثال در زبان عربی، رساله کارشناسی ارشد تاج العارفین (۲۰۲۰) به نام «الاستعاره فی سورة النازعات؛ دراسة بلاغیة تحلیلیة»، در خصوص تحلیل انواع استعاره و عناصر بلاغی به کاررفته در سوره نازعات است. تفاوت پژوهش حاضر با این رساله در این

است که این پژوهش معانی ضمنی نشانه‌ها را از طریق تحلیل انواع رمزگان بررسی می‌کند نه فقط از طریق استعاره، از این رو معانی استنباط شده در این پژوهش به معانی مطرح در رساله مذکور محدود نشده و بسیار گسترده‌تر می‌باشد.

از دیگر پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص، مقاله مؤمن‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) با نام «سبک‌شناسی سوره نازعات» است. تفاوت این پژوهش با مقاله حاضر در عدم تحلیل رمزگان‌های رولان بارت و عدم بیان معانی ضمنی و ثانویه آن‌ها در ارتباط با یکدیگر است. به عبارتی، در مقاله مذکور به تحلیل لایه‌های نحوی و صنایع بلاغت (بیان، بدیع) و نیز تحلیل انسجام سوره پرداخته شده و تنها زیبایی‌های موسیقایی، تصویرسازی و تطابق موسیقی دورنی با معنای سطحی آیات و بررسی سطح انسجام مد نظر بوده است؛ در حالی که هدف از پژوهش پیش‌رو، بررسی استعدادهای متن برای پرده برداشتن از معانی متعدد ضمنی و لایه‌های معنایی نهفته مطابق با روند روبه پیشرفت زندگی امروزی است.

اما در خصوص تحلیل نشانه‌شناسی لایه‌ای در قرآن به‌طور کلی، می‌توان به مقاله پیرانی و زریوند (۱۳۹۹) با نام «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره المسد از منظر رولان بارت» اشاره کرد. در این پژوهش به تحلیل رمزگان‌های رولان بارت در سوره مسد پرداخته شده است. تفاوت این پژوهش با مقاله حاضر در انتخاب نوع سوره مورد تحلیل می‌باشد.

پژوهشی دیگر در این زمینه، مقاله محققیان (۱۳۹۳) با عنوان «نشانه‌شناسی لایه‌ای قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی» است. تفاوت این پژوهش با مقاله حاضر در این است که پژوهش مذکور، مربوط به سوره‌ای واحد نبوده و تنها به ذکر نمونه‌های محدودی از قرآن بسنده کرده و تحلیل‌هایش بر اساس نظریه نشانه‌شناس واحدی نیست.

از این رو، جستار پیش رو که در زمینه نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره نازعات است، پژوهشی نو در حیطه این سوره است که می‌تواند در خصوص کشف معانی ضمنی آن که مطابق با نیاز جامعه امروز است، کمک مؤثری کرده و دریچه تازه‌ای را به روی دیدگان پژوهشگران در باب تحلیل دیگر سور قرآن و کشف معانی ضمنی آن‌ها بگشاید تا راه‌هایی مفید و کاربردی را بر اساس قرآن برای سعادت‌مندی نسل امروز و آینده ارائه دهند.

۲. تعاریف و مباحث نظری

۲.۱. نشانه‌شناسی لایه‌ای

نشانه‌شناسی لایه‌ای طرحی است که نخستین بار فرزان سجودی در کتاب «نشانه‌شناسی کاربردی» خود بیان کرد؛ به عقیده او «نشانه‌شناسی لایه‌ای به مثابه دیدگاهی نظری که زمینه‌ساز نوعی نشانه‌شناسی کاربردی است، زمینه را برای تحلیل گسترده متون در بستر رابطه تعاملی و چند سویه بین نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی که شبکه‌ای پیچیده از

روابط دلالی را به وجود می‌آورد، فراهم می‌کند. بی‌تردید چنین طرح نشانه شناختی علاوه بر حوزه نشانه‌شناسی، پیامدهایی در مطالعات معنی‌شناسی، تحلیل گفتمان، تحلیل متن، مطالعات رسانه‌ای، ارتباطات، مطالعه کارکردهای ایدئولوژیک و سیاسی متن و همچنین فلسفی زبان خواهد داشت.» (سجودی، ۱۳۹۸ الف: ۷) از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای، متن حاصل هم‌نشینی لایه‌های متفاوتی است که به واسطه عملکرد رمزگان‌های متعدد ممکن شده است. متن، پدیده‌ای فیزیکی و غیرقطعی است، جنبه پدیداری داشته و باز است؛ نه بسته. همچنین، بسته به متن، برخی لایه‌ها و یا گاهی یک لایه نسبت به لایه‌های دیگر اصلی‌تر بوده و لایه‌های دیگر متغیر هستند. گاهی نیز لایه‌های حاشیه‌ای‌تر، چنان اهمیت پیدا می‌کنند که لایه ثابت‌تر، معنی خود را از آن‌ها دریافت می‌کند. (سجودی، ۱۳۹۸ ب: ۲۱۰ و ۲۱۱)

برخلاف تقابل سنتی متن در برابر بافت که متن کانون معنا تلقی شده و بافت به حاشیه رانده می‌شد، در نشانه‌شناسی لایه‌ای، هرگاه عنصری از این به اصطلاح بافت، اعتبار دلالتگر پیدا کند، قابلیت متنی می‌یابد و به لایه‌های متن تبدیل می‌شود. بنابراین به اعتقاد سجودی، بافت یک رابطه است که بین لایه‌های متنی ممکن است برقرار باشد (بافت ساز) یا به نظر برسد که برقرار نیست. (بافت زدا) (سجودی، ۱۳۹۸ الف: ۲۰۹-۲۱۳) از دیگر ویژگی‌های متن در نظریه نشانه‌شناسی لایه‌ای، تکراری بودن و یا حاصل روابط بینامتنی بودن آن است؛ اما بینامتنیتی که به گفته کالر^۱ مقصود از آن صرفاً نامی نیست که بیانگر رابطه یک اثر با متون بخصوص قبلی باشد؛ بلکه مقصود مشارکت یک اثر در فضای گفتمانی یک فرهنگ است، یعنی رابطه یک متن و زبان‌ها یا دلالت‌های متفاوت یک فرهنگ و رابطه‌اش با آن متونی که امکانات آن فرهنگ را پدید می‌آورند. (Culler, ۱۹۸۱: ۱۱۴)

بنابراین هر لایه متنی خود متنی است که در کنش متقابل با لایه‌ای متنی دیگر (متن‌های دیگر) دامنه متن بودگی خود را گسترش می‌دهد و هر متن تنها به واسطه متونی که از قبل وجود داشته‌اند و هر یک نیز حاصل عملکرد تعاملی رمزگان‌ها و متون ماقبل خود بوده‌اند، دریافت می‌شود و امکان تولید معنا را می‌یابد؛ از این رو متن فرآیندی باز و بی‌پایان است. بنابراین، در نشانه‌شناسی لایه‌ای، نخست به شناخت و تحلیل رمزگان‌های متن پرداخته می‌شود و لایه‌های متنی ایجادشده از طریق آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان به معانی حاصل از هم‌نشینی چنین لایه‌های معنایی در کنار هم دست پیدا کرد. سجودی برای تعریف و تقسیم‌بندی انواع رمزگان‌ها، نظریات نشانه‌شناسی چون رولان بارت را در این زمینه شرح داده است که چگونه با استفاده از شناخت و تحلیل رمزگان‌ها، به نشانه‌شناسی داستان‌ها پرداخته است.

1) Culler

۲.۲. رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت

رولان بارت در کتاب اس‌زد که شاید اصلی‌ترین هدفش در نوشتن آن، آشکارسازی تمایز میان متن خواندنی و متن نوشتاری باشد (بارت، ۱۳۹۹: ۱۱) به ارزیابی داستان سارازین^۱ اثر بالزاک پرداخته و از پنج رمزگان اصلی به نام‌های: رمزگان هرمنوتیک^۲، رمزگان معنایی^۳، رمزگان کنشی^۴، رمزگان نمادین^۵ و رمزگان فرهنگی^۶ نام برده که شناسایی و تحلیل آن‌ها از ستون‌های اصلی ارزیابی و تأویل متن به شمار می‌روند. از میان این پنج رمزگان، رمزگان هرمنوتیکی و کنشی به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود؛ یعنی عامل حرکت متن به جلو هستند و متن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر و به سوی آن غایت اجتناب‌ناپذیر پیش می‌برند؛ اما سه رمزگان دیگر ما را از مجموعه حوادث و منطق روایی داستان فراتر برده، اطلاعات اساسی را فراهم می‌کنند و معانی ضمنی لازم برای تکمیل قابلیت فهم متن را به دست می‌دهند. (صفیئی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷ و سجودی، ۱۳۹۸ الف: ۱۵۱)

بارت در فرآیند یافتن و تحلیل رمزگان متن کتاب سارازین، آن را به ۵۶۱ واحد تقسیم کرده که گاه یک عبارت، نیم عبارت و یا یک کلمه را شامل می‌شوند. وی سه مرحله را در تحلیلش پشت سر گذاشته؛ نخست عنوان کتاب را مورد تحلیل قرار داده (معنایش، مذکر یا مؤنث بودنش و...) سپس به جمله نخست داستان، اهمیت آن و بررسی رمزگان‌هایش پرداخته و در نهایت سایر واحدها را تحلیل و بررسی کرده است. (عیلان، ۲۰۰۸: ۷۴ و ۷۵) او شرح این رمزگان‌ها را به هنگام تحلیل متن ذکر کرده و ترتیب خاصی را برای آن‌ها قائل نشده است. در پژوهش پیش‌رو نیز برای جلوگیری از تکرار، تعاریف مربوط به هر رمزگان، در بخش سوم و در ابتدای تحلیل هر یک از رمزگان‌های سوره نازعات بیان شده است.

۲.۳. ویژگی‌های متن قرآن از منظر نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی لایه‌ای، ابزاری بسیار منسجم و کاربردی جهت تحلیل متونی همچون قرآن است که از لایه‌های متعدد معنایی برخوردارند. متن قرآن از لحاظ نشانه‌شناختی، ویژگی‌های درونی مهمی دارد: اولاً شبکه‌ای از دلالت‌های در هم بافته است که ارتباط بسیار پیچیده‌ای میان نشانه‌های آن وجود دارد (تشابک دلالت‌ها)، ثانیاً، نشانه‌های متن قرآن لایه‌های گوناگون دلالتی دارند که از تعامل و تأثیر متقابل نشانه‌های متن پیدا می‌شوند. ثالثاً، این متن، سطوح متعدد دلالتی دارد و با متون بیرون از خودش درگیر می‌شود. به عبارتی، متن قرآن علاوه بر

- 1) Sarrasine
- 2) Le code herme'neutique
- 3) Le code proprement se'mantique
- 4) Le code des action narrative
- 5) Le code symbolique
- 6) Le code culturel ou re'fe'rentiel

طبقات و لایه‌های گوناگون دلالی، سطوح مختلف دلالی هم دارد و هر یک از دلالت‌های فلسفی، علمی، فقهی، کلامی و ... به سطح خاصی تعلق دارند و قرآن با زمینه‌های مختلفی ارتباط پیدا می‌کند. (قائمی نیا، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۷۰)

بر طبق آنچه در رابطه با متن قرآن و لایه‌های دلالی آن گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با نشانه‌شناسی لایه‌ای قرآن، می‌توان به متن قرآن فعلیت بخشید. به عبارتی، از آنجایی که نشانه‌شناسی از فرآیند فهم، تفسیر نشانه‌ها و لایه‌های دلالتی نیز بحث می‌کند، یک نشانه‌شناس یا مفسر با فعلیت‌بخشی، استعدادهای متن قرآن را شکوفا می‌کند (همان: ۱۷۸) و این پتانسیل قرآن برای شکوفاشدن از نشانه‌های ارزشمند بودن و به‌نوعی اعجاز آن است؛ چراکه می‌تواند برای هر عصری، حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد که مطابق با خواست نسل همان عصر است. همچنانکه رولان بارت نیز معتقد است هر آنچه امروز می‌تواند نوشته (بازنویسی) شود متن نوشتاری^۱ است؛ متنی که ارزشمند است؛ چراکه شرط اساسی کار ادبی (ادبیات به‌عنوان کار) تبدیل خواننده، نه به مصرف‌کننده بلکه به تولیدکننده متن است. به‌این ترتیب، در مقابل متن نوشتاری که کانون توجهش گشودن درهای متن به تأویل‌های متعدد از آن است، با ضد ارزش این متن مواجهیم، با ارزشی منفی و واکنشی یعنی آنچه تنها می‌تواند خوانده شود و نه نوشته: متن خواندنی. (بارت، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۵)

۳. رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت در سوره نازعات

۳.۱. رمزگان هرمنوتیک

رولان بارت رمزگان هرمنوتیک HER را مجموعه واحدهایی تعریف کرده که نقششان بیان یک سؤال و پاسخش به شیوه‌های متفاوت است و نیز حوادثی متنوع که یا برانگیزنده پرسش‌اند یا به تأخیر آورنده پاسخ؛ یا اینکه معمایی بسازیم و سپس رمزگشایی‌اش کنیم. (بارت، ۱۳۹۹: ۲۹) هاوکس^۲ نیز با تأکید بر همین تعریف این رمزگان را شامل همه واحدهایی می‌داند که به طرح پرسش و پاسخ به آن می‌پردازد و یا طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی را در برمی‌گیرد که ممکن است سؤالی را صورت‌بندی کرده و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازد؛ یا حتی معمایی را طرح کرده و سپس به‌سوی راه‌حل آن راهنمایی کند. (Hawkes: ۲۰۰۳: ۹۴) از این رو می‌توان این رمزگان را رمزگان چیستانی نیز نامید.

البته رمزگان هرمنوتیکی مطرح در رمزگان‌های بارت با رمزگان هرمنوتیکی سنتی و فلسفی که در طرح‌پدیدارشناسی هوسرل مطرح می‌شود، تفاوت داشته و از زاویه‌ای خاص به آن نگریسته می‌شود به‌گونه‌ای که تنها به ایجاد سؤال در روایت و پاسخگویی به آن می‌پردازد. بارت برای یافتن و حل این معما (رمزگان هرمنوتیکی) ده مرحله را بیان کرده

1) Scriptible
 2) Hawkes

است: موضوعیت^۱، موقعیت‌یابی^۲، فرمول‌بندی^۳، نوید پاسخگویی^۴، فریب^۵، ابهام^۶، انسداد^۷، پاسخ تعلیقی^۸، پاسخ جزئی^۹، افشای حقیقت^{۱۰} (Bowman, ۲۰۰۰: ۲۱). شایان ذکر است که در تمامی روایت‌ها ترتیب این مراحل یکسان نیست و ممکن است تعدادی از این مراحل ذکر شده و برخی دیگر موجود نباشد.

در خصوص تحلیل رمزگان هرمنوتیکی در سوره نازعات، از ابتدای سوره متوجه واژگانی می‌شویم که به گفته اغلب مفسرین، با حرف قَسَم (واو) شروع شده‌اند؛ حرف قسمی که نخست بر واژگان (النازعات، الناشطات، السابحات) وارد شده و سپس واژگان (السابحات و المدبرات) بر آن‌ها عطف شده‌اند. (درویش، ۱۴۱۵، ۳۶۲/۱۰ و ۳۶۳؛ انصاری، ۱۴۲۴: ۳۲۲) حضور قسم در ابتدای سوره و پنج مرتبه تکرار شدن آن (سه مرتبه به صورت واو و دو مرتبه عطف با فاء) حکایت از سخن گفتن از امر مهمی دارد که برای اثبات حقانیت آن در ابتدا سوگند یاد شده است. بنابراین از همان ابتدا و با دیدن این قَسَم‌های مکرر، سؤالی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه چه سخن مهمی قرار است گفته شود؟! (رمزگان هرمنوتیکی مرحله موضوعیت). نخستین راه برای یافتن پاسخ این سؤال، توجه به موضوعاتی است که بر سر آن‌ها سوگند آمده است.

بنابراین، حضور این پنج قسم در پنج آیه ابتدایی این سوره، مخاطب را متوجه امر مهمی کرد که در ادامه از آن سخن گفته خواهد شد. به عبارتی، گویا خداوند در این سوره برای اثبات وقوع امر مهمی که از آن سخن خواهد گفت، به این پنج فرشته یا پنج فنآوری برتر دنیا سوگند خورده است و این واژگان در هم‌نشینی با دیگر واژگانی که از آیه نخست تا پنج آمده‌اند، مرحله پاسخ‌های تعلیقی را برای رمزگان هرمنوتیکی سوره تشکیل داده‌اند؛ چراکه به گونه‌ای ضمنی به پاسخ رمزگان هرمنوتیکی اشاره دارند و خبر از امری در رابطه با جان سپردن و یا قدرت فوق‌العاده پیدا کردن می‌دهند و درعین حال این پاسخ را معلق نگاه داشته‌اند.

از سوی دیگر این پنج واژه به همراه بسیاری دیگر از واژگان این سوره که غالباً از آیه نخست تا آیه چهاردهم ذکر شده‌اند، مجموعه قابل توجهی از اسم فاعل‌هایی را تشکیل می‌دهند که به صورت برجسته و غالباً هم‌وزن و ردیف ذکر شده‌اند (النَّازِعَاتِ، النَّاشِطَاتِ،

- 1) Thematisation
- 2) Positioning
- 3) Formilation of the enigma
- 4) The promise it will be explained
- 5) Leurre (decoy or snare)
- 6) The partially correct clue
- 7) Blockage
- 8) Delay
- 9) Partial
- 10) Full resolution

السَّابِحَاتِ، السَّابِقَاتِ، الْمُدْبِرَاتِ، الرَّاجِفَةُ، الرَّادِفَةُ، وَاجِفَةٌ، خَاشِعَةٌ، الْحَافِرَةُ، خَاسِرَةٌ، وَاحِدَةٌ، السَّاهِرَةُ). این اسم فاعل‌ها از آیه نخست شروع شده و در آیه چهاردهم به واژه (الساهره) ختم می‌شوند؛ امری که حکایت از اهمیت واژه اخیر دارد که اسم فاعل‌ها به آن ختم شده‌اند. در صورت تأمل در معنای آیات هم اهمیت واژه «الساهره» برجسته می‌شود؛ در پنج آیه نخست سوره بحث از قسم خوردن به فرشتگان گیرنده جان‌ها یا فناوری‌های برتر جنگی بود که باعث شد از همان ابتدا اشاراتی به پاسخ معمای سوره شود: ﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا * وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا * فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا * فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا﴾ (نازعات ۱/۵-۵)

در توضیح اهمیت به‌کاربرده شدن اسم فاعل در این سوره باید یادآور شد که دو گونه اسم فاعل در این آیات به‌کار برده شده است: اسم فاعل‌های مقرون به الف و لام و اسم فاعل‌های بدون الف و لام. اسم فاعل‌هایی که مقرون به الف و لام باشند، حکم فعلی را دارند که در همه زمان‌ها (گذشته، حال و آینده) می‌توانند به‌کار برده شوند و در صورت لازم بودن، به فاعل خود اکتفا نموده و در صورت متعدی بودن نیز مفعولی را منصوب سازند؛ لذا محدود به زمان خاصی نیستند و می‌توانند با توجه به قید زمانی به‌کار برده شده برای آن‌ها همچون (امس، حالیا، غدا)، تعلق خود را به هر یک از زمان‌های مذکور برسانند. اسم فاعل‌هایی که بدون ال هستند، در صورتی که متعدی به مفعولی نباشند (همچون اسم فاعل‌های بدون الف و لام مذکور)، حکم فعل لازم را داشته و می‌توانند در همه زمان‌ها به‌کار برده شوند. (السامرائی، ۱۴۳۴: ۱۴۷/۳)

از این رو، اسم فاعل‌های مذکور چه با الف و لام و چه بدون آن، به علت آن که هیچ قید زمانی همراه با آن‌ها ذکر نشده و قابلیت تطابق در هر زمانی را دارند، پس مفهوم انجام شدن کار و یا بیان صفتی را بدون محدودیت به زمان خاصی می‌رسانند. بنابراین، گویی آیات مذکور به تصویر و قیامی می‌پردازند که در کسری از ثانیه رخ می‌دهند و زمان در آن‌ها معنایی ندارد؛ همچون لحظه جان سپردن، لحظه وقوع زلزله (در پایان دنیا) و لحظه زنده شدن پس از مرگ که زمان در آن متوقف شده و زندگی دنیایی [همان‌طور که در آیه انتهایی این سوره (۴۶) آمده است] همچون رؤیایی از پیش چشمان انسان عبور می‌کند. البته اگر از منظر شکل‌گرایی هم نیم‌نگاهی به ظاهر و صوت این اسم فاعل‌ها داشته باشیم، مصوت (آ) است که مکرراً در آن‌ها تکرار شده است. در تعریف صفات آوایی این واج آمده که برای بیان صداهای بلند، هیاهو و مهمهمه به‌کار می‌رود؛ مثل صوت پراوج موسیقی، غریو جمعیت یا سر و صداهای رعد آسا. (قویمی، ۱۳۸۳: ۳۱) از این رو، حالت عمودی اسم فاعل‌هایی که از باب ثلاثی مجرد ساخته شده‌اند و تکرار مصوت (آ) در آن‌ها همچون (النَّازِعَاتِ، النَّاشِطَاتِ، السَّابِحَاتِ، السَّابِقَاتِ، الرَّاجِفَةُ، الرَّادِفَةُ، وَاجِفَةٌ، خَاشِعَةٌ، الْحَافِرَةُ، خَاسِرَةٌ، وَاحِدَةٌ، السَّاهِرَةُ)، می‌تواند به امری عظیم، بزرگ و هراس‌انگیز و نیز حالت برخاستن از گور و یا زنده و سرپا شدن مردگان هم اشاره ضمنی داشته باشند.

مرحله پاسخ‌های جزئی به معمای سوره از آیه ششم تا نهم این سوره مطرح شده است که بحث لرزش زمین (الراجفة)، در پی آمدن لرزه‌ای دیگر (الرادفة)، اضطراب و دل‌پریشانی (واجفة) و خشوع و تواضع چشمان (خاشعة) را پیش می‌کشد: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ * تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ * قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ * أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾ (نازعات ۶-۹) مرحله نوید پاسخ‌گویی به معمای سوره نیز در آیات دهم تا دوازدهم مطرح شده است که بحث از نگرانی انسان‌ها از زنده شدن دوباره در کالبد انسانی (الحافرة) و پیشیمانی حاصل از آن (خاسرة) است: ﴿يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ * أِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً * قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾ (نازعات/۱۰-۱۲) در نهایت در آیه چهاردهم هم به افشای حقیقت پرداخته شد و به صراحت به بیدار شدن و زنده شدن مردگان (بعد از اینکه به ارواحی بدل شده بودند) اشاره گردید: ﴿فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ﴾ (نازعات/۱۴) بنابراین آیه چهاردهم مرحله پاسخ معمای سوره (رمزگان هرمنوتیکی) می‌باشد که نشان می‌دهد آن خبر مهم این است که همگی پس از مرگ دوباره زنده خواهند شد و حقیقتاً به پا خواهند خواست.

در انتها، آنچه از تحلیل نشانه‌شناسی مراحل رمزگان هرمنوتیکی مطرح در سوره نازعات دریافت می‌شود، این است که این سوره از همان آیه نخست گام به گام مخاطب را با خود همراه می‌سازد و با به تعویق انداختن پاسخ معمای خود و تکرار قسم‌های متوالی، از یک رستاخیزی پرده برمی‌دارد که انسان را دچار خوف و نگرانی عظیمی می‌کند. مراحل پرده‌برداری از این معما مخاطب را کنجکاو نموده و در ادامه، با کاربرد اسم فاعل‌ها و تصویرپردازی‌های دقیق، ترس و نگرانی را در او القا می‌کند تا با تمام وجود متوجه روزی باشد که او زنده شده و تک‌تک اعمالش همچون فیلمی به نمایش گذاشته می‌شود. این رمزگان با به صحنه کشیدن لحظه لحظه اضطراب هنگام وقوع قیامت و نحوه وقوع آن، تلنگر مهمی به انسان می‌زند تا بی‌تفاوت از کنار اعمال خود نگذرد که روز پاسخگویی بسیار نزدیک و هولناک است.

۲.۳. رمزگان معنایی

رمزگان معنایی یا معناشناسانه که در کتاب اس‌زد با شکل SEM آمده است، به دلالت‌های کمابیش خصلت‌نما، روان‌شناسیک و محیطی مرتبط می‌شود؛ مثلاً با این رمزگان می‌فهمیم که شخصیتی عصبی است بدون آنکه واژه عصبی در متن آمده باشد. (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۴۰) بنابراین، این رمزگان به معانی ضمنی پرداخته و مربوط به دلالت‌های پنهانی است که خصوصیات شخصیت‌ها و کنش‌ها را می‌سازند. (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

از جمله رمزگان‌های معنایی مطرح در سوره نازعات، خود کلمه (نازعات) است که در عنوان سوره و آیه نخست آن‌هم ذکر شده است. این واژه، در فرهنگ لغت از ریشه (نزع) و به معنای کندن آمده است که در صورتی که با حرف اضافه (إلی) باشد معنای رغبت پیدا کردن

و در صورتی که با حرف اضافه (عن) بیاید، به معنای جدا افتادن و غریب شدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۴۹/۸) همچنین این واژه به صورت اسم فاعل آمده و بر کسی یا عاملی که در حال کندن است دلالت دارد که با سختی همراه است. اکثر مفسرین (نازعات) را به ملائکی تفسیر کرده‌اند که به طور خاص برای گرفتن جان‌های کافران نازل می‌شوند، برخی دیگر مقصود از آن را اسب‌های جنگجویی دانسته‌اند که گردن‌های بلندی دارند و لگام‌هایشان به سختی به آن می‌رسد و یا ستارگانی که سخت از کرانه‌ای به کرانه‌ای دیگر کشیده می‌شوند و تمام فلک را طی می‌کنند. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۵/۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۸۲/۵)

اما از نگاه خالد اسماعیل ابراهیم؛ از مفسران قرآن بر طبق علوم امروزی، پنج واژه نخستین را که به گفته او بر سرشان قَسَم وارد شده، از فناوری‌های جدیدی دانسته که خصوصاً کشورهای غربی به آن دست یافته‌اند و باعث شده که بر آسمان‌ها و زمین مسلط شوند و خود را چون خدایی مقتدر، توانا بر انجام هر عملی بدانند. به عقیده او می‌توان مقصود از (نازعات) را با توجه به واژه «الراجفه» که در ادامه آیات آمده و نیز واژه غرق شدن «غرقاً» که به عنوان تمییز به غرق و ناپدید شدن این اسم فاعل دلالت دارد زیردریایی‌هایی دانست که ساخته دست بشر بوده و توانایی ناپدید شدن در سطح دریا و یا کنده شدن از قعر دریا را در هر زمانی که بخواهد دارد. (ابراهیم، ۱۴۲۳: ۱۶۱۵ و ۶۷) بر این اساس، می‌توان نازعات را نه فقط مختص فرشتگان که جان را می‌گیرند؛ بلکه در عصر حاضر مربوط به فناوری‌های پیشرفته‌ای نیز دانست که در دریا به انسان قدرت حرکت با سرعت بالا یا اعمال قدرت برای ایجاد جنگ‌افروزی و فتح کشورهای دیگر را می‌دهد.

از دیگر رمزگان‌های معنایی مطرح در سوره نازعات، واژه «الناشطات» است که بر سر آن‌هم واو قَسَم وارد شده؛ واژ «نشط» در فرهنگ برای حیوان و انسان به کار رفته و به معنای خارج شدن، راه رفتن سریع با نشاط، بیرون کشیدن و نیز به معنای مربوط ساختن و گره زدن است که گشودن آن مشکل نباشد و به آسانی بازگردد (گره کور نباشد). (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۱۴/۷) اغلب مفسرین (ناشطات) را فرشتگانی تعبیر کرده‌اند که برای گرفتن جان‌های مؤمنین نزول می‌کنند، برخی نیز (ناشطات) را فرشتگانی دانسته‌اند که ارواح کافران را بیرون می‌کشند و یا کسی که از حوزه اسلام به حوزه جنگ خارج شود و یا فلکی که از برجی به برج دیگر خارج شود. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۸۲/۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۵/۴ و قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹۰/۱۹-۱۹۲) در این مورد هم طبق تفسیر امروزی، می‌توان مقصود از آن را قایق، لنج یا جت اسکی‌هایی دانست که به سرعت حرکت می‌کنند؛ حرکتی که ذاتی و به واسطه موتور و پروانه است و نه توسط بادبان‌ها یا پاروهای که توسط انسان هدایت می‌شوند؛ به همین علت واژه «نشاطاً» در توصیف آن آمده که این حرکت و نشاط را ذاتی جلوه دهد. (ابراهیم، ۱۴۲۳: ۱۶ و ۱۷)

سومین رمزگان معنایی این سوره، واژ «سابحات» است که بر سر آن‌هم واو قَسَم وارد شده.

این واژه از ریشه «سبح» و به معنای غوطه‌وری و به‌سرعت حرکت کردن در آب یا هوا آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۹۲) به گفته اغلب مفسرین، مقصود از آن فرشتگانی است که به‌سرعت برای اجرای فرامین الهی حاضر می‌شوند و جان‌ها را گرفته و به‌سرعت و سبک‌بالی حرکت می‌کنند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۸۲/۵) برخی نیز گفته‌اند سباحات سیاره‌هایی هستند که در فلک شناورند و بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر سبقت می‌گیرند. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۵/۴ و قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۱۹۳) همچنین می‌توان آن را کشتی‌های بزرگی در نظر گرفت که شکل پیشرفته‌ای از کشتی‌های قدیمی‌اند و توسط نیروهای خارجی همچون باد یا پارو به حرکت درمی‌آیند. (ابراهیم، ۱۴۲۳: ۱۷) بر این اساس، مقصود از سباحات را نیز به‌طور کلی می‌توان شناورهای پیشرفته‌ای دانست که سرعت عمل بسیار بالایی در دریا داشته و انسان‌های آخرالزمان به راحتی آن‌ها را در اختیار دارند.

دو رمزگان معنایی دیگر این سوره، عطف به رمزگان‌های پیشین و قَسَم شده‌اند؛ یعنی «فالسباقات و فالمدبرات» که به ترتیب از سبق به معنی پیشی گیرندگان و از تدبیر به معنای تدبیرکنندگان گرفته شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۵ و ۳۰۷) طبق اکثر تفاسیر می‌تواند منظور از آن‌ها فرشتگانی باشد که در اجرای فرامین الهی بر هم سبقت گرفته و به تدبیر امور الهی می‌پردازند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۸۲/۵) همچنین می‌تواند عطف در اینجا تنها معنای عطف نداشته بلکه ترتیب و تعقیب هم برساند. بر این اساس، «فالسباقات» را می‌توان تجهیزاتی در نظر گرفت که از سه مورد قبلی هم سریع‌تر حرکت کرده، از آن‌ها پیشی می‌گیرد و منظور از «فالمدبرات» نیز می‌تواند تجهیزاتی باشد که دارای هوشمندی و مغز متفکری همانند کامپیوتر است و کنترل امور را به دست می‌گیرد. (ابراهیم، ۱۴۲۳: ۱۸)

با توجه به دلالت متعدد و تفاسیر مختلفی که از این پنج رمزگان (نازعات، ناشطات، سباحات، سباقات و مدبرات) بیان شد، این واژگان از آنجایی که اسم فاعل هستند و کننده کار می‌باشند، در زمان قدیم و پیش از اختراعات مدرن تنها مصادیقی که می‌توانست داشته باشند فرشتگان، ستارگان یا حتی اسب‌های جنگجو بودند. اما هم‌اکنون می‌تواند مقصود از آن‌ها فناوری‌های پیشرفته و هوشمندی باشد که به انسان قدرت تسلط بر دنیا را می‌دهد. بنابراین، آنچه هم‌نشینی لایه‌های معنایی رمزگان‌ها در ذهن ایجاد می‌کند، دنیایی است که بسیار به زمان آخر دنیا نزدیک است، دورانی که در آن انسان به قدرت‌های عظیمی در سطح زمین، دریا، آسمان و کهکشان‌ها دست‌یافته و قدرت انجام هر کاری را در دست دارد و رنگ معرفت و خداپرستی کم شده و کم‌کم علم حرف اول را می‌زند. روزگاری که انسان خالق جز خود و دانش خود را قبول نخواهد داشت. در چنین روزگاری خداوند به فرشته‌های خود که در کسری از ثانیه جان انسان‌ها را قبض می‌کنند و نیز در معنای ضمنی، به فناوری‌هایی که اوج قدرت انسان را توصیف می‌کنند، سوگند یاد کرده تا مخاطب قرآن در هر عصر و در هر سطحی از قدرت که هست، بداند مخلوقی فناپذیر بیش نیست و تسلیم

اراده خداوند است و به خواست او پس از مرگ حتماً زنده خواهد شد.

۳.۳. رمزگان کنشی

رمزگان کنشی که در متن کتاب، با شکل ACT مشخص شده، به هرگونه واحدی در داستان می‌گویند که به ما نشان می‌دهد داستان و توالی کنش‌ها چگونه پیش می‌روند. (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۴۰) این رمزگان، کنش‌های شخصیت‌ها را به صورت پی‌رفت‌های روایی سامان‌دهی نموده و برای هر پی‌رفت اصطلاح عامی را در نظر می‌گیرد که کارکرد راهبردی آن را نشان می‌دهد (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۸)؛ به عبارتی، در هر جایی از متن که با عناصری مواجه شویم که کنش‌ها و اثرات متقابل را نشان می‌دهد، با این‌گونه رمزگان‌ها مواجهیم؛ همچنان‌که بارت نیز این رمزگان را توالی اعمال انسانی، کنش‌ها و رفتارهایی می‌داند که تأثیراتی را نیز در پی دارند. (بارت، ۱۳۹۹: ۳۰ و ۳۱) در سوره نازعات، رمزگان‌های کنشی در سه قالب ذکر نعمت‌ها و موهبت‌های الهی، کنش‌های گناهکاران و عقوبت الهی و نیز جدال موسی و فرعون بیان شده است.

در آیات ۲۸-۳۳ سوره نازعات، رمزگان‌های کنشی در قالب بیان نعمت‌ها و موهبت‌های الهی در حق انسان بیان شده است: ﴿رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا * وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا * وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا * أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا * وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا * مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾ (نازعات/۲۸-۳۳) این رمزگان‌های کنشی پیام خاصی را برای مخاطب قرآن به همراه دارد تا به دنبال کشف ارزش وجود چنین نعمت‌ها و نیز علت عطا شدن آن‌ها باشد. در خطبه ۱۸۵ نهج البلاغه، حضرت علی (ع) در این خصوص چنین بیان داشته که انسان اگر در عظمت نعمت‌های الهی بر خود اندکی تفکر می‌کرد و به چرایی آن می‌اندیشید، قطعاً به راه راست هدایت شده و از عذاب در امان می‌ماند؛ اما چون قلب‌ها بیمار و بینش‌ها مختل است، انسان از راه راست منحرف می‌شود.^۱ (ابن ابی‌طالب، ۱۳۸۴: ۵۶۲)

با توجه به گفتار حضرت علی (ع) می‌توان چنین برداشت کرد که برای درک صحیح نعمت‌های الهی و چرایی خلقت آن‌ها برای انسان، تنها دیدن و ذکر کردن نعمت‌ها نشانه درک آن‌ها و بودن در راه راست نیست؛ بلکه هر فردی احتیاج به قلبی سالم و به دور از غل و غش و نیز بینشی صحیح و به دور از خرافات و تعصبات دارد تا بتواند با کمک گرفتن از این دو مورد راه راست را تشخیص دهد. بر این اساس، غرض از ذکر نعمت‌های الهی، به چالش کشیدن مخاطب برای اندیشیدن در تمامی نعمت‌هایی است که به خاطر او در هستی خلق شده است، از زمین و آسمان گرفته تا تک‌تک حیوانات و گیاهان. مخاطب قرآن در صورت بهره‌مندی از قلبی سلیم و بینش درست، با تفکر در چنین رمزگان‌های کنشی که نعمت‌های الهی را در حق انسان متذکر می‌شوند، متوجه این امر خواهد شد که تمامی این نعمت‌ها برای هدفی مهم

(۱) وَ لَوْ فَكَّرُوا فِي عَظِيمِ الْقُدْرَةِ وَ جَسِيمِ النِّعْمَةِ لَرَجَعُوا إِلَى الطَّرِيقِ وَ خَافُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ، وَلَكِنَّ الْقُلُوبَ عَلِيلَةٌ وَ الْبَصَائِرُ مَدْخُولَةٌ.

خلق شده‌اند که نباید نسبت به آن غافل بود؛ همچنان که سعدی می‌گوید:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌نبری

(سعدی، ۱۳۸۲: ۱۳)

علاوه بر ذکر موهبت‌های الهی، رمزگان‌های کنشی در سوره نازعات، در قالب بیان کنش‌های گناهکاران و عاقبت اعمال آنان نیز بیان شده است. مسأله قابل توجهی که در مقایسه ضمنی میان کنش‌های گناهکاران با نتیجه اعمالشان - که فرار گرفتن در جهنم است - وجود دارد، این است که هنگامی که سخن از اعمال گذشته گناهکاران است از افعال ماضی استفاده شده: ﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ * وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ (نازعات/۳۷-۳۸) و هنگامی که سخن از نتیجه اعمالشان می‌شود، فعلی که زمان آینده را بیان می‌کند وجود ندارد؛ بلکه جمله اسمیه: ﴿فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ (نازعات/۳۹) به کار برده شده است. همان‌طور که می‌دانیم، جمله اسمیه دلالت بر ثبوت دارد (السامرائی، ۱۴۳۴: ۱۶۹/۱)؛ از این رو، این آیه نتیجه اعمال تکذیب‌کنندگان آیات قرآن را نه فقط در آخرت؛ بلکه از لحظه تکذیب در زندگی گناهکاران مؤثر دانسته و چنین نشان می‌دهد که آتش جهنم از لحظه ارتکاب این عمل در زندگی انسان بازتاب داده می‌شود و انسان هم در دنیا و هم در آخرت این آتش را می‌چشد، عذابی که ثابت و پایدار است. (اشاره به قانون بازتاب در زندگی انسان)

گذشته از دو مورد سابق، سوره نازعات، اقدامات و رفتارهای موسی و فرعون را نیز در قبال هم شرح می‌دهد که به‌عنوان رمزگان‌های کنشی شناخته می‌شوند: ﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ * فَكَذَّبَ وَ عَصَىٰ * ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ * فَحَشَرَ فَنَادَىٰ * فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ * فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ﴾ (نازعات/۲۰-۲۵) آیات مذکور که به بیان دعوت حضرت موسی (ع) به حق و در مقابل، انکار و تکبر فرعون پرداخته و کنش‌های رفتاری آن‌ها به تصویر می‌کشد، به‌نوعی می‌تواند برای غالب انسان‌ها به‌عنوان داستانی سمبلیک هم صدق کند، به این صورت که هر انسانی در درون خود یک موسی و یک فرعون دارد؛ موسای درون هر انسانی دائماً در پی خیر می‌رود و فرعون درون نیز یاغی بوده و دائماً به دنبال خودبتریبینی، تکبر و سایر تمایلات نفسانی است. این جدال خیر و شر در درون انسان به شکل کنش‌های رفتاری میان موسی و فرعون در قرآن تعبیر شده، امری که به حقیقت زندگی امروز و یا هر لحظه زندگی انسان در هر دوره‌ای بیشتر ارتباط دارد تا اینکه تنها داستانی مربوط به گذشته دو انسان که جدای از احوال ما انسان‌ها بوده‌اند، تعبیر شود. همچنان‌که شمس تبریزی در سخنان خود گفته: «همه را در خودبینی، از موسی و عیسی و ابراهیم و نوح و آدم و حوا و آسیه و خضر و یاس و فرعون و نمرود! ... تو عالم بیکرانی! چه جای زمین و آسمان‌ها؟!» (صاحب‌الزمانی، ۱۳۵۱: ۱۵۹۵)

بنابراین، رمزگان‌های کنشی این سوره، انسان را دعوت به درک هدف از خلقت جهان و نعمت‌های بی‌شمار او می‌کند تا بدین وسیله، عمر خود را به بیهودگی نگذرانده و رسالت خود را به عنوان یک انسان دریابد. همچنین به انسان هشدار می‌دهد که اعمال ناشایست او نه فقط برای آخرت؛ بلکه از لحظه ارتکاب آن عمل، در زندگی دنیایی او نیز اختلال ایجاد کرده و او را با بازتاب اعمالش مواجه می‌کند؛ لذا نوعی پیام پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک نیز در آن نهفته است تا انسان هم سعادت دنیوی و هم اخروی را به واسطه بازتاب اعمالش تجربه کند. از دیگر معانی و پیام‌های رمزگان کنشی در این سوره، اشاره به دو بُعد وجودی انسان یعنی بُعد حیوانی و روحانی او دارد که هر لحظه در وجود انسان در حال کشمکش است و اگر پیروی حیوان وجود را کند، همچون فرعون، نمونه‌های اعلامی تکبر و هواپرستی گردیده و راه حقیقت را گم می‌کند. بر این اساس، نوعی درس اخلاق برای انسان امروزی در این رمزگان به تصویر کشیده شد تا از زندگی سعادتمند بهره‌مند گردد؛ درس اصلاح بینش، ارتقای وسعت دید نسبت به خلقت هستی، درس تواضع، کار خیر، اندیشه خیر، گفتار خیر و ...

۳. ۴. رمزگان نمادین

رمزگان نمادین از منطبق هر روزه، آشنا، استدلالی و تجربی جدا است و همچون منطبق رؤیا، زمان توالی یا جانشینی رخدادهای نامعمول است و به شکل SYM در کتاب اس/زد آمده است. (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۴۱) این رمزگان به الگوهای تقابلی و متضادی اشاره می‌کند که به متن معنا می‌دهند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷ و Cuddon، ۲۰۱۳: ۱۳۲)؛ به عبارتی این رمزگان، گروه‌بندی‌ها یا ترکیب‌بندی‌های قابل تشخیص است که به‌طور منظم و در شکل‌های متفاوت و به روش‌های گوناگون در متن تکرار شده و سرانجام ترکیب‌بندی غالب را می‌سازند. (سجودی، ۱۳۹۸ الف: ۱۴۹)

در سوره نازعات، شاهد یکسری رمزگان‌های نمادین نیز هستیم که به‌صورت تقابلی ذکر شده‌اند؛ همچون «السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، لَيْلٌ وَ نَهَارٌ، الْأَخِرَّةُ وَالْأُولَى، الْجَحِيمُ وَالْجَنَّةُ». این رمزگان‌های نمادین با متقابل قرار دادن عناصر خلقت، به‌نوعی بر قانون تضاد و دو قطبی بودن جهان مادی دلالت دارند و متقابل قرار گرفتن بهشت و جهنم نیز به عاقبت دوگانه انسان‌ها با توجه به نوع عملکرد آن‌ها در دنیا اشاره دارد؛ دنیایی که خود در تقابل با آخرت قرار گرفته است. به عبارت دیگر، این رمزگان‌های نمادین، اشاره می‌کنند که عناصر این دنیا بر پایه حضور عناصر متضاد خود معنا گرفته‌اند و در مقابل، تنها ذات پروردگار است که از هرگونه تضاد و دو قطبیت مبرا است. همچنان‌که مولوی و شبستری هم بنای خلقت جهان را از اضداد و ذات الهی را فارغ از آن دانسته‌اند:

ظهور جمله اشیا به ضد است ولی حق را نه مانند و نه نَد است

(شبستری، ۱۳۸۲: ۴۹ و ۵۰)

پس نهانی‌ها به ضد پیدا شود

چون که حق را نیست ضد پنهان بود

(مولوی، دفتر اول، ۱۳۹۲: ۵۷)

بر این اساس، پیام این نوع رمزگان در سوره نازعات، این است که هر چیزی در این دنیا با عنصر متضاد خود تعریف شده و معنا می‌گیرد و دنیا مکانی نیست که تنها یک بُعد در آن جاری باشد؛ لذا توقع قرار گرفتن در بهشتی که همیشه سلامتی، شادی، ثروت، عدالت و ... حکم‌فرما باشد به دور از واقع بوده و خداوند شر را نیز خلق نموده است تا به وسیله آن بتواند طرح اصلی خود را که آزمایش آدم در ورطه خطرناک جهان و تضاد و دو قطبی است را به انجام برساند. از این رو، انسان نباید به اعتراض علیه شر پردازد؛ بلکه باید بداند که هدف از خلقت بدی و خوبی حضور در آزمایشی بزرگ است که انسان با تجربه خیر و شر، مسیر کمال را یافته و از ظلمت به سوی نور حرکت کند؛ امری که در صورت دو قطبی نبودن عالم، هیچ آزمایشی نبود و ارزش هیچ انسانی با توجه به انتخاب‌ها و عملکردش مشخص نمی‌شد و تعالی و کمالی نیز برای هیچکس رقم نمی‌خورد.

۳. ۵. رمزگان فرهنگی

به عقیده بارت، رمزگان فرهنگی مجرای ارجاع متن به بیرون؛ به دانش عمومی (هنر، پزشکی، سیاست، ادبیات و ...) است و قلمرو اسطوره‌شناسی و ایدئولوژی محسوب می‌شود. (سجودی، ۱۳۹۸ الف: ۱۵۰ و ۱۵۱) او در کتاب اس‌زد این رمزگان را به صورت REF نشان داده است. بنابراین، به مجموعه دلالت‌های فرهنگی که به شناخت کلی از دوران مربوط می‌شود؛ شناختی که سخن استوار به آن است، رمزگان فرهنگی یا ارجاعی می‌گویند. (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۴۰) این نوع رمزگان، خواننده را به استفاده از دانش خود از جهان واقعی فرامی‌خواند تا بتواند به معنای متن پی‌ببرد، از نظر بارت، این دانش طبیعی بوده و از تجربه نشأت می‌گیرد و ریشه در منابع متنی دارد. (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

در سوره نازعات، رمزگان فرهنگی در قالب داستان موسی و فرعون (آیات ۱۵ تا ۲۰ سوره نازعات) بیان شده و در آن، گفتمان سوره از حالت غائب، در آیه پانزدهم به حالت خطاب درآمده و التفات رخ داده است؛ مخاطب قرار دادنی که با توجه به آیات سابق که در رابطه با لحظه وقوع قیامت است، می‌تواند به حدیث نفس انسان در لحظه‌ای که دوباره زنده می‌شود و از خود می‌پرسد که آیا داستان موسی را به یاد داری، اشاره داشته باشد و هم می‌تواند مخاطب قرار گرفتن خواننده توسط خداوند را در ذهن تداعی کند: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى * إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى * أذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى * فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّى * وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَى * فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾ (نازعات/۱۵-۲۰)

داستان موسی و فرعون، از داستان‌های مطرح در کتاب‌های تاریخی است، وادی طوی نیز

در تاریخ به محل سخن گفتن موسی (ع) با خداوند و لقب کلیم الله گرفتن او مشهور است. مقصود از آیه بیستم ﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾ (نازعات/۲۰) نیز به گفته مفسرین و مورخین نشان دادن معجزات موسی (ع) به فرعون است؛ همچون ید بیضاء (دست نورانی موسی) و یا عصای او که تبدیل به مار شد. (جزایری، ۱۳۸۸: ۳۴۱/۵) آیات مذکور همگی اشاره به داستان‌هایی در تاریخ دارند که نسل به نسل منتقل شده و به‌عنوان رمزگان فرهنگی شناخته می‌شوند.

ذکر چنین رمزگان‌های فرهنگی در قالب داستان موسی و فرعون، جدای از اشاره به داستان تاریخی، در خود نوعی ایدئولوژی به همراه دارد که حکایت موسی و فرعون نه فقط داستانی مختص به دو شخصیت در گذشته؛ بلکه مربوط به هر لحظه زندگی انسان‌هاست. به عبارتی، هر انسانی در درون خود هم موسایی دارد که هر لحظه به نیکی و درستی می‌خواند و هم فرعونی که هر لحظه می‌تواند به غرور و دیگر رذایل اخلاقی دچار شده، پشت به درخواست‌های موسایش کند و از راه راست دور شود. بنابراین، این نوع رمزگان فرهنگی، در ظاهر به اتفاقی در بیرون؛ اما در حقیقت انسان را به درون خویش سوق می‌دهد تا هر لحظه به وارسی عملکرد و اندیشه‌های خویش بپردازد که به کدامین سو در حال حرکت است. مولانا در کتاب فیه ما فیه نیز به این نکته اشاره کرده و انسان را آمیزه‌ای از حیوانیت و انسانیت توصیف کرده تا هر دو صفات قابلیت آشکار شدن داشته باشند و درنهایت نور خداوند از میان ظلمت آشکار شود؛ همچنان که انبیاء مظهر نور حق هستند و در مقابل آن‌ها عناصر متضادی نیز هست، انسان نیز دارای ظلماتی است که نور حق را در درون دارد. (مولوی، ۱۳۹۱: ۱۰۳ و ۱۰۴)

نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های انجام‌شده، مشخص شد که سوره نازعات از هر پنج رمزگان مطرح در نظریه رولان بارت برخوردار است. رمزگان‌های هرمنوتیکی شامل چهارده آیه نخست سوره است که در خصوص ایجاد ابهام در وقوع امری مهم و درنهایت پرده‌برداری از وقوع قیامت و زنده شدن مردگان می‌باشد. رمزگان‌های معنایی شامل واژگان «لِنَازِعَاتِ، النَّاسِطَاتِ، السَّابِحَاتِ، الْمُدْبِرَاتِ» هستند که در معنای ظاهری، فرشتگانی هستند که قبض روح می‌کنند و در معنای ضمنی به فناوری‌های پیشرفته‌ای دلالت دارند که انسان در آخرالزمان به آن‌ها دست پیدا کرده و قدرت زیادی را در خلق دنیای موردنظر خود به دست می‌آورد. رمزگان‌های کنشی نیز در جهت بیان موهبت‌های الهی در حق انسان، اعمال گناهکاران و عقوبت الهی و نیز جدال موسی و فرعون بیان شده است. رمزگان‌های فرهنگی نیز در خصوص بیان داستان موسی و فرعون و بیان ایدئولوژی جدال خیر و شر در انسان و پرهیز از تکبر ذکر شده‌اند و درنهایت، رمزگان‌های نمادین نیز بر عناصر متضاد دنیا و عاقبت

دوگانه انسان در آخرت به واسطه اعمال دنیایی‌شان اشاره دارند.

آنچه از هم‌نشینی لایه‌های معنایی رمزگان‌های مذکور حاصل می‌شود، دورانی است که انسان به قدرت‌های عظیمی در سطح زمین، دریا، آسمان و کهکشان‌ها دست‌یافته و رنگ معرفت و خداپرستی کم شده است. در چنین روزگاری خداوند قسم یاد کرده به فرشتگان خود که در کسری از ثانیه جان انسان‌ها را در هر سطحی از قدرت یا فناوری‌های پیشرفته که باشند قبض کنند و بعد از مرگ به خواست او دوباره زنده شوند. لذا دوری از تکبر درس اولیه این رمزگان‌ها است. از درس‌های دیگر آن، رعایت اخلاق است تا انسان به سمت اعمال خیر سوق داده شود و بتواند در هر عصری، با دریافت بازتاب اعمال خود، به زندگی سعادت‌مندانه برسد. همچنین رمزگان‌های این سوره، تصویری از دنیای مادی را برای مخاطب نمایش می‌دهند که همه چیز با ضد خود معنا گرفته و انسان در دنیای دو قطبی آمده تا بتواند رسالت خود را دریافته، هدف از خلقت خویش را درک کند و ارزش خود را در کنار تمامی پستی‌ها و بلندی‌ها، اثبات کرده و از ظلمت و سیاهی به تعالی و کمال راه پیدا کند.

بر اساس روش‌شناسی این مدل تحلیل معنا؛ یعنی نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های پنجگانه رولان بارت در سوره نازعات می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در بررسی متون چند بُعدی از جمله قرآن که دارای لایه‌های متعدد معنایی است، علاوه بر روش‌های کلاسیک تحلیل معنا همچون بررسی بلاغی (معانی، بیان و بدیع) در متن، تحلیل معانی رمزگان‌های مختلف متن و بررسی تأثیر روابط هم‌نشینی و بینامتنی بر آن‌ها، می‌تواند تأثیر قابل توجهی در درک لایه‌های عمیق‌تر معنا داشته باشد و پرده از بسیاری دروس نهفته در متن بردارد. به عبارت دیگر، تحلیل معنا با استفاده از این مدل، می‌تواند معانی منطبق با پیشرفت زندگی بشر را در دوران معاصر جلوه گر سازد؛ چراکه در بررسی رمزگان‌ها خصوصاً رمزگان‌های فرهنگی که ارجاع به بیرون از متن دارند، معانی با استناد به علوم یا فرهنگ روز نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد و این امر اعجاز قرآن را که گفته شده متعلق به همه اعصار و قرون است، بیشتر آشکار می‌سازد.

کتابنامه

- ابراهیم، خالد اسماعیل (۱۴۲۳ق): «ما يواجهه العالم الان فى القرآن الکریم (و النذیر الاخیر)»، قاهره: دار الکتب المصریة، الطبعة الأولى.
- ابن ابی طالب، علی (ع) (۱۳۸۴): «نهج البلاغه»، ترجمه: علامه جعفری، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴): «لسان العرب»، محقق و مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع؛ دار صادر، الطبعة الثالثة.
- احمدی، بابک (۱۳۸۲): «ساختار و تأویل متن»، تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.
- آلن، گراهام (۱۳۸۵): «رولان بارت»، ترجمه پیام یزدان جو، تهران: مرکز.
- انصاری، زکریا بن محمد (۱۴۲۴): «فتح الرحمن شرح ما یلتبس من القرآن»، بیروت: دار الکتب العلمیة؛ منشورات محمد علی بیضون، الطبعة الأولى.
- بارت، رولان (۱۳۹۹): «اس/زد»، ترجمه سپیده شکری پوری. تهران: افراز، چاپ دوم.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸): «أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)»، إعداد: محمد عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى.
- پیرانی شال، علی و زریوند، نیلوفر (۱۳۹۹): «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره مبارکه "المسد" از منظر رولان بارت»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۸، شماره ۲، صص ۹۹-۱۱۷.
- جزایری، نعمت الله بن عبد الله (۱۳۸۸هـ): «عقود المرجان فی تفسیر القرآن»، الطبعة الأولى، قم: نور وحي.
- جلال الدین محمد بلخی، مولانا (۱۳۹۱): «فیه ما فیه»، تصحیح و حواشی: بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات فکر آوران، چاپ اول.
- درویش، محی الدین (۱۴۱۵): «إعراب القرآن الکریم و بیانہ»، حمص: الارشاد، الطبعة الرابعة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): «مفردات ألفاظ القرآن»، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم-دار الشامیة، الطبعة الأولى.
- السامرائی، فاضل صالح (۱۴۳۴ ق): «معانی النحو»، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی؛ للطباعة و النظر و التوزیع، الطبعة الأولى.
- سجودی، فرزاد (۱۳۹۸ الف): «نشانه‌شناسی کاربردی»، تهران: نشر علم، ویرایش دوم، چاپ ششم.
- _____ (۱۳۹۸ ب): «نشانه‌شناسی: نظریه و عمل»، تهران: نشر علم، چاپ سوم.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۲): «گلستان سعدی»، از روی نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی، تهران: ققنوس، ویراست دوم.
- شبستری، شیخ محمود (۱۳۸۲): «گلشن راز»، به اهتمام کاظم دزفولیان، تهران: طلایه، چاپ اول.
- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین (۱۳۵۱): «خط سوم (درباره شخصیت، سخنان و اندیشه شمس تبریزی)»، تهران: مطبوعاتی عطائی.
- صفیئی، کامبیز و سلامی، مسعود (۱۳۹۰): «توضیح و معرفی رمزگان پنج‌گانه رولان بارت با نمونه عملی از نمایشنامه فیزیکدان‌ها اثر فریدریش دورنمات»، مطالعات نقد ادبی، شماره ۲۴-۲۵، صص ۱۹۹-۲۲۱.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ هـ ق): «تفسیر جوامع الجامع»، مصحح: ابوالقاسم گرجی، قم: حوزه علمیة قم، چاپ اول.
- العارفین، تاج (۲۰۲۰): «الاستعارة فی سورة النازعات؛ دراسة بلاغیة تحلیلیة»، رساله الماجستير، جامعه شریف هداية الله الإسلامیة الحکومیة جاکرتا.
- عیلان، عمر (۲۰۰۸): «فی مناهج تحلیل الخطاب السردی»، دمشق: منشورات اتحاد الکتب العرب؛ سلسله الدراسات (۲).
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۳): «بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.

- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.
- قویمی، مهوش (۱۳۸۳): «أوا والقاء»، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول.
- مؤمن نژاد، ابوالحسن و سازجینی، مرتضی و موسوی، سید محمد (۱۳۹۶): «سبک‌شناسی سوره نازعات»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۵، شماره ۴، صص ۲۵-۴۷.
- محققیان، زهرا (۱۳۹۳): «نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی»، فصلنامه قرآن‌شناخت، سال ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳، صص ۲۷-۴۶.
- مکاریسک، ایرنا ریما (۱۳۹۳): «دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر»، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه، چاپ پنجم.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۹۲): «مثنوی معنوی»، تصحیح: کاظم عابدینی مطلق، قم: آوای ماندگار، چاپ دوم.
- Bowman, P.J. (2000). "Theodor Fontane's 'Ce'cile An Allegory of Reading", German Life and Letters", 53: 1 January, 17-36.
- Culler, J. (1981), "The Pursuit of Signs", London, Routledge.
- Cuddon, J.A. (2013). "A Dictionary of Literary Terms and Literary Theory", revised by M.A. Habib, UK: Wiley-Blackwell, 5th edition.
- Hawkes, T. (2003). "Structuralism and Semiotics", London & New York: Rutledge, 2th edition.



Bibliography

- Ibrahim, Khaled Ismail (1423 AH), "What the World is Facing Now in the Holy Qur'an (and) The Last Warner", Cairo: Egyptian Book House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Abi Talib, Ali (pbuh) (1384 SH), "Nahj al-Balagha", translated by: Allameh Jafari, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications, First Edition. [in Persian]
- Ibn Manzur, Muhammad Ibn Mokram (1414 AH), "Lisan Al-Arab", Edited and Corrected: Jamal Al-Din Mirdamadi, Beirut: Dar Al-Fikr li Tibaeat wa Al-Nashr wa Al-Tawzeei; Dar Saadir, Third Edition. [in Arabic]
- Ahmadi, Babak (1382 SH), "Text structure and interpretation", Tehran: Nashr-e-Markaz, Sixth edition. [in Persian]
- Allen, Graham (1385 SH), "Roland Barthes", Translation: Payam Yazdan Joo, Tehran: Markaz.[in Persian]
- Ansari, Zakariya Ibn Muhammad (1424 AH), "Fath Al-Rahman; Explanation of Confused Qur'an", Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya; Publications of Muhammad Ali Baydoun, First Edition. [in Arabic]
- Barthes, Roland (1399 SH), "S/Z", Translated by Sepideh Shukri Puri, Tehran: Afraz, Second Edition. [in Persian]
- Baydawi, Abdullah bin Omar (1418 AH), "Anwar al-Tanzil and Asrar al-Ta'weel (Tafsir al-Baydawi)", prepared by: Muhammad Abdul Rahman Mara'ashli, Beirut: Dar 'Iihya' Al-Turath Al-Araby, First Edition. [in Arabic]
- Piranishal, Ali and Zarivand, Niloufar (1399 SH), "Layered Semiology of the Codes of Surah "Al-Masad" from the Perspective of Roland Barthes", Literary-Quranic Researches, Year 8, No. 2, pp. 117-99.[in Persian]
- Jazayeri, Nematullah Ibn Abdullah (1388 SH), "Oqud Al-Marjan fi Tafsir Al-Quran", Qom: Nure Wahyi, First Edition. [in Arabic]
- Jalaluddin Mohammad Balkhi, Molana (1391 SH), "Fih Ma Fih", Corrections and Margins: Badi-ul-Zaman Forozanfar, Tehran: Fekr Avaran Publications, First Edition. [in Persian]
- Darwish, Muhyiddin (1415 AH), "Iirab Al-Quran wa Bayanehi", Homs: Al-Irshad, Fourth Edition. [in Arabic]
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412 AH), "Mufradat Alfaz Al-Qurani", Edited / Corrected: Safwan Adnan Dawudi, Beirut: Dar Al-Qalam - Dar Al-Shamiya, First Edition. [in Arabic]
- Al-Samarayi, Fadel Saleh (1434 AH), "Maaniy Al-Nahw", Beirut: Muasasat Al-Tarykh Al-Arabi; li-Tibaeat wa Al-Nazar wa Al-Towzie, First Edition. [in Arabic]
- Sojudi, Farzan (1398 SH) A. "Applied Semiotics", Tehran: Nashre Elm, Second Edition, Sixth edition. [in Persian]
- Sojudi, Farzan (1398 SH) B. "Semiotics: Theory and Practice", Tehran: Science, Third Edition. [in Persian]
- Saadi, Mosleh bin Abdullah (1382 SH), "Golestan Saadi", from the revised version of Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Qoqnoos, Second Edition. [in Persian]
- Shabestri, Sheikh Mahmoud (1382 SH), "Gulshan Raz", by Kazem Dezfulian, Tehran:

- Talayeh, First Edition. [in Persian]
- Sahib al-Zamani, Naser al-Din (1351 SH), "The Third Line (about the personality, Words and Thought of Shams Tabrizi)", Tehran: Atai Press. [in Persian]
 - Safiei, Kambiz and Salami, Masoud (1390 SH), "Explanation and introduction of Roland Barthes' five Codes with a Practical Example from the play Physicists by Friedrich Dornmatt", Literary Criticism Studies, No. 24-25, pp. 199-221.[in Persian]
 - Tabarsi, Fazl Ibn Hasan (1412 AH), "Tafsir Jawamee Al-Jamei", proofread by: Abul Qasim Gurji, Qom: Qom Faculty of Education, First Edition. [in Arabic]
 - Al-Arifin, Taj (2020), "Metaphor in Surat Al-Naza'at; An analytical rhetorical study", Master's thesis, Sharif Hedayatullah Islamic State University, Jakarta. [in Arabic]
 - Aylan, Omar (2008), "In Methods of Narrative Discourse Analysis", Damascus: Manshurat Ettihad Al-kottab Al-Arabi; Silsilat Al-Dirasaat (2).[in Arabic]
 - Ghaemi Nia, Alireza (1393 SH), "Biology of the Text; Semiotics and Interpretation of the Qur'an", Tehran: Publishing Organization of Islamic Culture and Thought Research Institute, Second Edition. [in Persian]
 - Qurtubi, Muhammad Ibn Ahmad (1364 SH), "Al-Jamee Li Ahkam al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow, First Edition. [in Arabic]
 - Qavimi, Mahvash (1383 SH), "Ava Wa Elqa", Tehran: Hermes Publications, First Edition. [in Persian]
 - Moemen Nejad, Abulhasan and Sazjini, Morteza and Mousavi, Seyyed Mohammad (1396 SH), "Syllogism of Surah Nazaat", Literary-Quranic Researches, Year 5, No. 4, pp. 25-47.[in Persian]
 - Mohaghegian, Zahra (1393 SH), "Layered Semiotics of the Verses of the Holy Quran with Regard to Intratextual and Intertextual Relationships", Quran-Shenakht, Year 7, No. 1, Series 13, pp. 27-46.[in Persian]
 - Makarik, Irena Rima (1393 SH), "Encyclopedia of Contemporary Literary Theories", Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabawi, Tehran: Agah, Fifth Edition. [in Persian]
 - Molavi, Jalaluddin Muhammad Ibn Muhammad (1392 SH), "Masnavi al-Manavi", Corrected by: Kazem Abedini Motlaq, Qom: Avaye Mandegar, Second Edition. [in Persian]
 - Bowman, P.J. (2000). "Theodor Fontane`s Ce`cile An Allegory of Reading, German Life and Letters", 53: 1 January, 17-36.
 - Culler, J. (1981), "The Pursuit of Signs", London, Routledge.
 - Cuddon, J.A. (2013). "A Dictionary of Literary Terms and Literary Theory", revised by M.A. Habib, UK: Wiley-Blackwell, 5th edition.
 - Hawkes, T. (2003). "Structuralism and Semiotics", London & New York: Rutledge, 2th edition.